

## بررسی روابط کانادا با آفریقا

### مقدمه

در پی ایجاد تحول ملموس در سیاست خارجی کانادا مبنی بر تحکیم روابط و همبستگی با آمریکا و بازسازی سیاست خارجی دولت گذشته مبنی بر عدم اعزام نیرو در جنگ علیه عراق به این کشور در کنار آمریکا؛ با روی کار آمدن دولت جدید؛ این کشور در اولین فرصت ۴۵۰ نیروی نظامی خود را به هائیتی در کنار نیروهای آمریکائی؛ فرانسه و شیلی اعزام نمود و در واکنشی معنی دار قول افزایش بودجه نظامی کشور را نیز اعلان نمود تا کانادا بتواند در مبارزه جهانی علیه تروریسم شریک باشد؛ البته این عمل کانادا از نظر دولت مردان آن سیاست تقویت صلح در جهان تلقی می‌گردد زیرا این کشور در سال ۱۹۵۰؛ توسط نخست‌وزیر وقت کانادا؛ ایده نیروی محافظ صلح در زیر چتر سازمان ملل را پیشنهاد داد و این کشور از آن زمان در تعدادی از کشورهای درگیر جنگ داخلی در غالب سازمان ملل نیرو می‌فرستند. کانادا دارای نیروی نظامی در کنگو برازاویل است و در گفتگوهای ایجاد صلح در سودان بطور فعال شرکت دارد.

### حضور کانادا در آفریقا و سیاست توسعه همکاری با قاره سیاه

اتاوا در سال ۲۰۰۳ مبلغ ۱۳ میلیون یورو جهت تقویت حفظ صلح توسط اتحادیه آفریقا و نیز جامعه اقتصادی دولتهای غرب آفریقا اختصاص داده است. این کشور از زمان تصویب طرح نپاد توسط دولتهای آفریقائی؛ همکاریهای خود را با این قاره تشدید کرده است. در این رابطه مسیحیان کانادا برای تقویت همکاری آتاوا با آفریقا مبلغ ۳۰۶ میلیون یورو در اختیار بنیاد کانادائی برای آفریقا قرار دادند؛ همچنین دولت کانادا نیز ۸٪ بودجه همکاریهای بین‌المللی کشور را افزایش داده و این در حالی است که قاره سیاه حداقل نیمی از بودجه همکاری بین‌الملل کانادا را دریافت می‌کند.

بعد از محدودیتهای بودجهای کانادا و ترمیم آن در سال ۱۹۹۰؛ کمکهای توسعه‌ای کانادا در سال ۱۹۹۷ در بالاترین حد خود به ۱/۵۳ میلیارد یورو رسید و این برابر با ۰/۳٪ تولید ناخالص ملی این کشور بوده و در سال ۲۰۰۲ رقم کمکهای توسعه‌ای کانادا به ۱/۷۷ میلیارد یورو و برابر با ۰/۲۷٪ افزایش پیدا کرد؛ ولی هنوز ارقام فوق پائینتر از ۱/۸۹ میلیارد دلار یورو در سال ۱۹۹۱ است. طبق آمار ارائه شده سازمان همکاری و توسعه‌ای اقتصادی (OCDE) نسبت به درصد تولید ناخالص (PNB/APD) کشورها؛ کانادا در ردیف نوزدهمین کشور در جهان قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که دانمارک با هزینه کردن ۱/۰۳٪ PNB خود برای APD در ریف اول و فرانسه در ردیف پنجم قرار دارند.

### شرایط برخورداری از کمکهای توسعه‌ای کانادا

دولت کانادا مصمم است همکاریهای توسعه‌ای خود را با کشورهای واجد شرایط تقویت نماید. بطور مثال کشوری که خواهان برخورداری از این کمک باشد باید از نظر اقتصادی ضعیف بوده و متعهد به اجرای درست کشورداری باشد؛ و از نظر منطقه‌ای نیز

دارای نقش مهمی باشد؛ با این اوصاف؛ تعداد شش کشور در آفریقا از کمکهای توسعه‌ای کانادا براساس امتیازبندی این کشور بهره می‌برند: مالی؛ سنگال؛ غنا؛ اتیوپی؛ تانزانیا و موزامبیک.

البته این همکاری در چارچوب خاص خود؛ مانع از این نیست که آژانس کانادایی توسعه بین‌المللی (ACDI) که بیش از ۸۰٪ بودجه همکاری را در دست دارد در کشورهای دیگر آفریقا فعال نباشد. ACDI در ۵۰ کشور آفریقایی در پروژه‌های مختلف فعالانه شرکت دارد.

### کمکهای کانادا

با توجه به اینکه امروزه کمکها دیگر بصورت نقدی انجام نمی‌گیرد بلکه به عنوان اجرای پروژه می‌باشد؛ و معمولاً هم اجرای پروژه‌ها توسط کشور کمک‌کننده انجام می‌گیرد به این معنا که از هر دلار؛ ۷۰ سنت آن مجدداً به کشور مجری طرح باز می‌گردد؛ و مجدداً کشور کمک‌کننده پولهای بازگشته را این بار به عنوان کمک بودجه‌ای مستقیماً به حساب دولت بهره‌مند از پروژه می‌ریزد و درواقع با یک مبلغ ثابت دوبار کمک انجام می‌گیرد؛ کمک دوم از نظر سیاسی بیشتر تأثیرگذار است تا کمک اول؛ زیرا کمک دوم ملموس‌تر از اجرای پروژه است.

دولت کانادا کمکهای خود را تحت عنوان کمکهای هزاره براساس تعیین اولویت سازمان ملل در مورد زمینه‌های همکاری با آفریقا ترسیم کرده و در پروژه‌های توسعه‌ای این قاره فعال است و محور این کمکها بیشتر در رابطه با آموزش؛ بهداشت و ایجاد امنیت غذایی می‌باشد.

بخشهای سه‌گانه فوق بیش از ۴۰٪ از کمکهای کانادا را به خود اختصاص می‌دهند. در مالی و موزامبیک ۵۰٪ کمکهای کانادا در بخش بهداشت و آموزش هزینه می‌گردد.

در چارچوب فعالیت بنیاد همکاری کانادا برای آفریقا یک صد میلیون دلار کانادایی برابر با ۶۱/۰۶ میلیون یورو در امر تحقیقات کشاورزی و بهره‌وری بهینه از منابع آبی در امور کشاورزی صرف می‌شود؛ (سد مانانتالی در مالی که هزینه ساخت آن توسط بخش خصوصی کانادا تأمین شده)؛ همین مبلغ برای مبارزه با ایدز و سرخک هزینه می‌شود.

بخش دیگری که از کمکهای کانادا برخوردار بوده و شاید از نظر سیاسی درست باشد تحکیم و حمایت از دولتهائی است که دارای حسن شهرت در کشورداری هستند یعنی دولت مطیع قانون و مساوات جنسیت انسانها باشند. کانادا از نادر کشورهایی است که حقوق شخص (جنسیت) را به حقوق بشر ترجیح می‌دهد و مدت ۲۰ سال است که موضوع فوق را در تمام ملاحظیات سیاسی خود با کشورهای دیگر در نظر می‌گیرد.

در تانزانیا بیش از یک هزار نفر از خانمها توسط ACDI آموزش دیده‌اند و مسئولیتهائی در بخش دولتی گرفته‌اند.

در پی ابطال گواهینامه داروهای ژنریک؛ کانادا اولین کشوری است که بنابر درخواست سازمان تجارت جهانی این عمل را انجام می‌دهد؛ سازمان مذکور در ۲۰۰۳ به کشورهای در حال توسعه اجازه داده تا نیازهای خود به داروهای ژنریکی را به نازلترین قیمت تأمین نمایند؛ بنابراین شرکتهای داروسازی کانادا از طرف دولت خود؛ مجوز فروش این نوع داروها را به کشورهای جهان سوم کسب نموده‌اند.

یکی دیگر از فعالیتهای پرسود این کشور در آفریقا و جهان سوم؛ مین‌یابی است؛ در پی جنگهای فراوان در آفریقا میلیونها مین ضد نفر در این قاره کار گذاشته شده و رها شده‌اند و کانادا در امر مین‌یابی در آفریقا مقام اول را دارد و این امر در سال ۱۹۹۷ منجر به امضاء کنوانسیون Ottawa گردید.

تعداد زیادی از دانشگاه‌های کانادا در حال همکاری با دانشگاه‌های کشورهای آفریقائی هستند و تعداد حداقل بیست دانشگاه کانادا در زمینه‌های تبادل برنامه؛ تبادل دانشجو؛ تبادل استاد و همکاری علمی با دانشگاه‌های این قاره ارتباط دارند. دولت کانادا هر ساله دو هزار بورس به دانشجویان آفریقائی اهدا می‌کند؛ البته این تعداد بورس خارج از سهمیه بورسیه Commonwealth و یا سازمان جهانی فرانکفونی (OIF) است که به کانادا اعزام می‌کنند.

کانادا در امر انفورماتیک و مخابرات در آفریقا نیز بسیار فعال می‌باشد و در حال ایجاد سیستم مخابراتی در تعدادی از کشورهای این قاره است تا هزینه مکالمات تلفنی را کاهش دهد؛ بطور مثال هم اکنون در موزامبیک و اوگاندا این پروژه در حال آزمایش است؛ در بخش انفورماتیک هم بخش خصوصی کانادا تمایل زیادی دارد که در آفریقا فعالیت کند زیرا سود سرشاری عائد آنها می‌گردد؛ شعبه‌ای از گروه HBA کانادا به نام Experco از سال ۱۹۹۷ در کشور مالی تأسیس شده و در امر نرم‌افزاری؛ نگهداری؛ فروش و دادن مشورت در امور کامپیوتر فعال است؛ در سال ۱۹۹۸ درآمد این شرکت بالغ بر ۴۶۰۰۰۰ یورو و در سال ۲۰۰۳ بیش از ۱/۵۳ میلیون یورو افزایش داشته است. با این که قاره آفریقا فعلاً یک شریک ضعیف تجاری محسوب می‌شود؛ اما در بخش معدن و انرژی تأمین‌کننده خوبی برای بخش صنعت این کشور است.

## تبادل تجاری کانادا با آفریقا

بیشتر تبادلات تجاری کانادا با آمریکا انجام می‌گیرد (۸۷٪ صادرات و ۶۲٪ واردات به آمریکا است). صادرات کانادا به آفریقا گذشته از وسائل مختلف صنعتی؛ عمدتاً شامل گندم و لباسهای دست دوم می‌باشد؛ و در مجموع ۰/۰۴٪ از صادرات این کشور را دربرمی‌گیرد.

واردات کانادا از آفریقا نیز بیشتر شامل نفت و محصولات کشاورزی است که ۳/۱٪ واردات این کشور محسوب می‌شود. با این حال سرمایه‌گذاری مستقیم کانادا در این قاره رو به افزایش است؛ در سال ۱۹۹۰ این کشور ۲۶۸ میلیون دلار در آفریقا سرمایه‌گذاری کرده بود اما در سال ۲۰۰۲ این سرمایه‌گذاری بالغ بر ۳/۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. با توجه به سود آوری سرمایه‌گذاری در این قاره؛ دولت کانادا تصمیم گرفته از سرمایه‌گذاری در آفریقا شدیداً حمایت نماید. ۳۰٪ بودجه همکاری ACDI من بعد برای دو برنامه که شامل حمایت از شرکتهای است؛ یعنی همکاری در بخش صنعتی؛ در این مورد؛ هم‌اکنون ۷۰ شرکت صنعتی آفریقائی تحت حمایت کانادا می‌باشند. برنامه دیگر اینکه صندوق سرمایه‌گذاری برای آفریقا با داشتن ۲۰۰ میلیون دلار برای حمایت از بخش خصوصی در نظر گرفته شده و در اواخر سال ۲۰۰۴ به کار گرفته خواهد شد.

بینش اقتصادی نخست وزیر کانادا Paul Martin به آفریقا؛ سبب شده این کشور روابط تجاری خود را با قاره سیاه توسعه دهد. بنابراین؛ این کشور هر سال چندین هیئت بازرگانی جهت بازاریابی به آفریقا و کشورهای دیگر اعزام می‌کند.

کانادا نیز از دو زبانی بودن کشور بطور بهینه بهره‌برداری می‌کند؛ این کشور از یک طرف عضو Commonwealth و از طرف دیگر عضو فعال OIF (فرانکفونی) است. به مناسبت ۲۰ مارس روز جهانی فرانکفونی؛ دنیس کودر وزیر کانادائی اعلان کرد اکنون

زمان فرانسوی صحبت کردن است زیرا اکثر سیاهان موجود در هائیتی به زبان فرانسه تکلم می‌کنند و کشور ما مانند آمریکا در هائیتی نفوذ ندارد.

نظر باینکه کانادا گذشته استعماری در آفریقا ندارد و نیز تکلم دو زبانه این کشور (انگلیسی و فرانسه) موقعیت خوبی را برای این کشور در نزد کشورهای فرانکفونی در آفریقا ایجاد کرده است و لذا به راحتی در حوزه فرانسه زبان در این قاره می‌تواند رخنه نماید.

### حضور کانادا در معادن و زیرساخت‌های آفریقا

کشور کانادا یکی از کشورهای غنی جهان از لحاظ داشتن معادن زیرزمینی است و در استخراج آنها از تجربه خوبی برخوردار است لذا این کشور مدتهای زیادی است که کارشناس معدن به کشورهای جهان صادر می‌کند. در سال ۲۰۰۰، پنجاه درصد شرکتهای معدنی حاضر در آفریقا کانادائی بوده‌اند. در غنا دومین تولیدکننده طلا بعد از آفریقای جنوبی می‌باشد. شرکتهای مهم معدنی کانادا: Birim Gogdfields؛ Iamgold؛ Alcan؛ ۸۰٪ سهام در Ghana Bauxite Company را در دست دارند و بر بازار حاکم هستند. در کشور مالی شرکت کانادائی Iamgold تولیدکننده طلا؛ ۳۸٪ از معدن Sadiola و ۴۰٪ از معدن Yatela را در دست دارند. همچنین گروه معدنی کانادائی Nevsun اخیراً حق استخراج یک معدن جدید دیگر طلا در کشور مالی را برای سال ۲۰۰۵ کسب کرده است. گذشته از گروههای معدنی؛ چندین شرکت نفتی کانادائی نیز در قاره سیاه به امر نفت مشغول می‌باشند. از میان آنها می‌توان Nexen Encana؛ که هر دو در الجزایر؛ نیجریه و کنگو برزاویل فعال می‌باشند و شرکت Diamond Work هم‌اکنون در آنگولا

و در تعدادی دیگر از کشورهای آفریقائی انگلفون فعال می‌باشد و در فوریه ۲۰۰۴ طی یک قرارداد نفتی اکتشاف و استخراج با دولت Sao Tome برای مدت نامحدود تبدیل به یکی از شرکتهای عمده نفتی در این کشور شد.

در چند سال گذشته حضور شرکتهای کانادائی در بخشهای زیرساختاری و مراکز غیردولتی آفریقا پررنگ‌تر گردیده است. شرکتهای بزرگ کانادائی-SNC؛ Wardrop؛ Tecsult؛ CRC Sgema؛ Lavalin در آفریقا سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ شرکت Tecsult به تنهایی ۷۵٪ قراردادهایش با آفریقا می‌باشد و با آژانس ملی سدهای الجزائر همکاری نزدیکی دارد و در پروژه هیدروالکتریک سد مانانتالی در کشور مالی و سیستم اصلاح‌سازی بذر کشاورزی کشور گینه فعالیت دارد و در گابون در حال بازسازی ۱۰ فرودگاه این کشور می‌باشد. شرکت دیگر کانادائی SNC\_lavalin که از ۳۵ سال قبل در این قاره فعال می‌باشد و تاکنون بیش از ۸۰۰ پروژه در ۵۲ کشور آفریقائی اجرا کرده است؛ از قبیل پروژه معروف Great Man Made River در لیبی و ساخت آلومینیوم سازی Mozal در موزامبیک. این شرکت سالانه ۴۰۰ میلیون دلار از قاره آفریقا سود بدست می‌آورد.

بانک کانادائی (Canadian Bank Note Company (CBN) (تا قبل از ۱۹۹۵ این بانک هیچ‌گونه فعالیتی در آفریقا نداشته) تهیه‌کننده اسکناس؛ تمبر و گواهی‌نامه رانندگی و امثال اینها؛ از این راه سالانه ۱۵٪ از درآمدهایش از آفریقا است. این بانک با کشورهای بوركینا فاسو؛ توگو؛ زامبیا؛ مالی و اتیوپی و احتمالاً تعدادی دیگر در آفریقا قرارداد دارد؛ برای CBN بازار آفریقا دومین بازار پردرآمد در جهان است. بین پروژه‌های قابل توجه، خریداری خط راه‌آهن باماکوداکار در اوائل ۲۰۰۳ توسط شرکت کانادائی Canac و شرکت فرانسوی Getma را نیز می‌توان نام برد.



اشاره به این موضوع بی‌فایده نخواهد بود که فقر آفریقا ثمره ۳۰۰ سال بردگی و یک قرن استعمار و غارت دارائی و تحمیل فرهنگی بیگانه بر آن است. ترسیم راه توسعه اقتصادی ناصواب براساس تکیه بر دریافت کمک از غرب؛ و ترسیم راهی بس طولانی و گمراه‌کننده از مسیر توسعه پایدار بطرف مقروض کردن این قاره به خارج بصورت استعمار نو ظاهر گشت (وامهای پرداختی در واقع در اختیار اشخاص وابسته قرار گرفت تا در حفظ قدرت وقت هزینه گردد.) و این قروض به شکل زنجیرهای جدید وابستگی آفریقا به کشورهای ثروتمند تبدیل شد؛ از ابتدا؛ ورود غرب به این قاره مساوی با بهره‌وری اقتصادی و ادامه این روند است؛ یک زمان از راه قراردادهای برده‌داری تا فروش بردگان و روزی هم با ملغی کردن برده‌داری؛ تخلیه معادن غنی و گوناگون این قاره آغاز و همچنان این روند ادامه دارد. معادنی مانند طلا؛ مس؛ بوکسیت؛ الماس؛ منیزیوم؛ آلومینیوم؛ اورانیوم؛ سنگهای قیمتی؛ منگنز؛ روی؛ فسفات؛ نیکل؛ مرکور؛ آهن؛ کبالت؛ زنجبیل؛ انواع گیاهان روغنی؛ سرب؛ خاک رس و قرمز؛ اکسید مختلف فلزات؛ ذغال سنگ بدون دود؛ قلع؛ سیلیکات؛ کرم؛ گرافیت؛ سدیم؛ کربن؛ پلاتین؛ آرژان؛ انواع و اقسام چوب؛ روغن پالم و روغن ذرت و گیاهان دیگر؛ انواع میوه‌های خارهای؛ نارگیل؛ چای؛ قهوه؛ کاکائو؛ فلفل؛ وانیل؛ شکر؛ گاز؛ پنبه؛ توتون و اقلام دیگر.

شاید تب یافتن نفت در آفریقا در حال عمومی شدن باشد و کشورهای این قاره یکی پس از دیگری با کمک شرکتهای نفتی غربی در پیدا کردن نفت از هم سبقت می‌گیرند و این بصورت یک پدیده جدید در این قاره ظاهر شده و می‌تواند چهره آن را در آینده نزدیک دگرگون نماید. بنابراین بیش هرچیز؛ امروزه نفت آفریقا سخت مورد نظر غرب واقع شده است؛ درواقع از آنجائی که در این قاره اکثر کشورها فاقد صنایع قابل

توجه هستند؛ نیاز چندانی هم به این ماده پرارزش نخواهند داشت و نظر به اینکه اکثر کشورهای آفریقائی دارای مشکلات عدیده اقتصادی هستند براحتی نفت خود را در اختیار شرکتهای چندملیتی قرار خواهند داد. البته کشورهای غربی هم قصد دارند منابع نفتی آفریقا را در مقابل منابع نفتی کشورهای عضو اوپک قرار دهند و لذا در حال تشکیل کشورهای تولیدکننده نفتی آفریقا می‌باشند.

شاید آنقدر که آفریقا برای غرب انگیزه اقتصادی دارد برای دیگران نداشته باشد و از همین زاویه نیز باید به حضور دائمی آنها در این قاره نگاه کرد و تا جائی که بتوانند عرصه ورود به این قاره را برای رقیبان خود تنگ می‌گیرند و نیز در پی سیاست انحصارگرانه؛ چهره آفریقای زیبا و غنی را تا حد نهایت زشت؛ خشن؛ ناامن؛ جنگ زده؛ فقیر؛ خشک و کودتاخیز نشان می‌دهند تا ورود غیرخودبها به آن برای کارهای اقتصادی مشکل شود؛ متأسفانه غرب در این سیاست تا اندازه‌ای هم موفق بوده و آفریقا را بصورت حیاط خلوت خود درآورده است.

سفرات جمهوری اسلامی ایران - داکار